

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۱۹-۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱

نقد و تحلیل مضامین اجتماعی رمان سووشون (سیمین دانشور)

مریم محمودی*
فائزه اشرفیان**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت فضای اجتماعی سال های پیش از انقلاب و تحلیل مسائلی هم چون نقش زنان در اجتماع، مردسالاری، غرب زدگی و حضور استعمار و خانواده با تکیه بر رمان سووشون سیمین دانشور، به روش، توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. جامعه‌شناسی ادبیات از سویی با ادبیات و از سوی دیگر با جامعه‌شناسی در ارتباط است. در این شیوه نقد، ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با جامعه و تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه و چگونگی انعکاس مسائل اجتماعی از دیدگاه خالق اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. رمان سووشون محصول شرایط اجتماعی سال های وحشت و خشونت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است؛ دوره‌ای که آمل و آرزوهای ملتی آزادی‌خواه و استقلال‌طلب در اثر دسیسه عوامل بیگانه و داخلی و پاره‌ای اشتباهات رهبران سیاسی و مذهبی بر باد رفت و یأس و ناامیدی، احساس شکست و انزوای طلبی، گریبانگیر جامعه از هم گسیخته ایران گردید. نتیجه پژوهش نشان داد که سیمین دانشور با تیزبینی و درایتی متعهدانه تلاش کرده است بخشی از حقایق تلخ اجتماعی و نیز دردها، رنج ها و مصائبی را که در این سال های سیاه بر ملت ایران رفته است، ترسیم نماید. وی به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در تغییرات و تحولات اجتماعی می‌پردازد و تلاش برای خودیابی و باید و نبایدها را با انتقاد از جامعه مردسالار در هم می‌آمیزد.

کلید واژگان: مضامین اجتماعی، رمان سووشون، سیمین دانشور.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول
ایمیل: m.mahmoodi75@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (faezeh1390@gmail.com)

مقدمه

در گذشته، ادبیات فارسی بیشتر سیمایی مردانه داشته و به طور شایسته و چشمگیر زنان، به عنوان پدیدآورندگان آثار ادبی در آن حضور پررنگ نداشته‌اند، اما این وضعیت در قرون اخیر تداوم نیافت و به تدریج از دوران بیداری و عصر مشروطه، همراه با تحول درونی جامعه و نوگرایی و ارتباط و آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی، تغییر و تحولی در نگرش جامعه نسبت به زن بوجود آمد. «موضوعاتی چون آزادی، تساوی زن و مرد و هم چنین لزوم تعلیم و تربیت نوین، از جمله نمونه‌های برتر حقوقی بود که برای زن در عرصه اجتماع در نظر گرفته شد. این امر به‌ویژه در راستای فرهنگ و ادب تا جایی مقام و موقعیت زنان را متحول ساخت که ضمن محوریت در بسیاری از اشعار و داستان‌ها، خود به‌گونه‌ای رو به رشد در رأس آفرینش بسیاری از آثار ادبی قرار گرفت» (مدیری، ۱۳۸۹: ۳۵). این شرایط به زنان مجال تازه‌ای داد تا به‌شکلی گسترده وارد عرصه فعالیت‌های اجتماعی شوند.

با گذشت زمان، تعداد زنانی که در عرصه آفرینش‌های ادبی ظاهر شدند، افزایش یافت و مسائل مرتبط با آنان در آثار ادبی، بیش از گذشته مجال مطرح شدن پیدا کرد. باید به این نکته توجه داشت که زنان ایرانی از نظر موقعیت اجتماعی محدودتر از مردان بوده‌اند و امکان کمتری برای پرورش قدرت ادبی خود داشته‌اند. اما آن چه موجب تمایز آثار زنان از نوشته‌های مردان می‌شود، نگاه زنانه در پرداختن به مسائل عاطفی و اجتماعی و جزءنگاری پر حوصله در تدارک دیدن ساختار داستانی است. این نگاه مخصوصاً در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بیشتر در آثار آنها دیده می‌شود. زنان ایرانی به عنوان انسان‌هایی قرار گرفته در شرایط خاص تاریخی-فرهنگی، در موقعیتی حساس و تاریخ‌ساز، پا به عرصه نوشتن گذاشتند و کوشیدند که تنها توصیف و تصویر نشوند، بلکه خود توصیف‌گر و تصویرگر شوند. بدین ترتیب زنانی که به شناختی تازه از موقعیت و جایگاه اجتماعی خود رسیدند و ذوق و شوقی برای نوشتن داشتند، برای رهایی از انزوا و تثبیت جایگاه خود، آثاری حدیث‌نفس‌گونه بر جای گذاشتند و به توصیف زندگی اجتماعی روزمره پرداختند.

یکی از موضوعات مهمی که در اولین رمان‌های اجتماعی بعد از مشروطه مطرح است موضوع زنان و شخصیت‌های متعددی است که هر کدام جنبه‌ای از نمودهای اجتماعی عصر خود را بازتاب می‌دهند و نویسنده با استفاده از این قهرمانان، می‌توانست دیدگاه خاص خود را نشان دهد. هر چند توجه به این نکته ضروری است که در دوران پس از مشروطه، هنوز تعداد زنان فعال در عرصه نویسندگی، نسبت به مردان، بسیار اندک است.

به لحاظ تاریخی تا پیش از دهه ۱۳۴۰، داستان‌نویسی زنان چندان اهمیتی نداشته و فقط شمار معدودی، به این حوزه پا گذاشته بودند و قلم‌آزمایی می‌کردند. محدودیت‌های اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی در این سال‌ها، امکان ورود زنان به عرصه داستان‌نویسی را تنگ می‌ساخت. در واقع سال‌های پیش از ۱۳۴۰ را می‌توان سال‌هایی قلمداد کرد که نخستین تلاش‌ها برای شکل‌گیری داستان‌نویسی نوین زنان، انجام گرفت. «از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد، زنان به فعالیت خود در زمینه داستان‌نویسی، توجه بیشتری نشان دادند و می‌توان گفت نخستین بارقه‌های اصلی داستان‌نویسی زنان، از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد، زده شد. توجه به اولین داستان‌های جدی نویسنده‌گان زن، با همه خام‌دستی‌هایی که در نگارش کتاب‌ها مشاهده می‌شود، از نظر سنت نویسندگی در خور تأمل است. در این دهه با تعدادی رمان‌نویس زن روبه‌رو می‌شویم که

داستان‌نویسی را به طور پیگیر دنبال می‌کردند و به تعبیری، یک جریان داستان‌نویسی زنانه پدید آوردند. سیمین دانشور از جمله زنان سرشناس داستان‌نویس در این دوره به شمار می‌آید که شاهکارش یعنی رمان سووشون را در سال ۱۳۴۸ به چاپ رساند. رمان سووشون گذشته از آنکه یکی از پرخواننده‌ترین رمان‌های ایرانی است، نقطه عطفی در شکل‌گیری رمان اجتماعی فارسی دارد» (شریفی، ۱۳۸۸: ۸۴۰).

سال‌های بین ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ دهه شکوفایی ادبیات زنان است. در این مقطع زمانی، تعداد نویسندگان زن افزایش می‌یابد و زنان، با تکیه بر فرصتی که به‌تازگی در جامعه به‌دست آورده بودند، جایگاه ادبی خود را باز می‌یابند. آنان برای نخستین بار داستان‌نویسی را به‌طور پیگیر دنبال و جریان داستان‌نویسی زنانه را ایجاد کردند. وضعیت زنان در رمان‌های این دوره به تدریج بهبود می‌یابد. سیمین دانشور از جمله این نویسندگانی است که از سال‌ها قبل به این عرصه وارد شده بود اما توانست در سال ۱۳۴۸ اوج هنر خود را در سووشون به رخ بکشد. انتشار این رمان دریچه تازه‌ای به روی زنان داستان‌نویس و دنیای پریهاوی آنان گشود و امید بیشتری برای برآمدن نسلی از زنان نویسنده را پدید آورد. «نویسنده، این رمان را زمانی می‌نویسد که نمادگرایی و کاربست رمز و سمبل در میان شاعران و نویسندگان رواج داشت» (سرمشقی، ۱۳۸۶: ۲۸). آن چه در همه آثار دانشور دیده می‌شود، احساسات زنانه‌ای است که در داستان‌نویسی ایران تازگی دارد. خود دانشور همه آثار خود را، متأثر از دیدگاهی زنانه می‌داند و می‌گوید: «اگر غیر از این باشد طبیعی نیست» (دقیقی، ۱۳۸۱: ۳۵).

در زمینه نقد و تحلیل مضامین اجتماعی در رمان سووشون و آثار دیگر سیمین دانشور مقاله‌ها و کتاب‌هایی به صورت پراکنده وجود دارد؛ اما رویکرد این نوشتار با محتوای آن‌ها متفاوت است. برخی از این تألیفات از این قرارند:

حسنلی و سالاری (۱۳۸۶) در مقاله «نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور»، نشانه‌های ساده و آشکاری از فمینیسم را در سطح همه آثار دانشور، بازخوانی کرده و در یک تقسیم‌بندی کلی، برخی از جلوه‌های آن را نشان داده‌اند.

دری و خیراندیش (۱۳۹۳) در مقاله «مقایسه بازتاب فرهنگ عامه در آثار سیمین دانشور و احمد محمود» در پی آن هستند تا با دقت در شیوه زندگی، جنسیت، تحصیلات و آگاهی و به‌طور کلی، شخصیت‌های متفاوت این دو نویسنده، تفاوت شیوه بیان آن‌ها را بیان کنند؛ زیرا سیمین دانشور و احمد محمود از نویسندگانی هستند که در آثارشان به عناصر فرهنگ مردم ایران و ادبیات شفاهی بسیار توجه کرده‌اند و در آثار هر دو نویسنده مضامین مشترک فرهنگی فراوانی وجود دارد که با روشی متفاوت بیان شده‌اند.

ناظمیان و شکوهی‌نیا (۱۳۹۲) در مقاله «مقایسه و تحلیل جلوه‌های پسااستعماری در رمان‌های موسم هجرت به شمال طیب صالح و سووشون سیمین دانشور» رمان‌های مذکور را از دید نظریه پسااستعماری بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که هر دو از رمان‌های پسااستعماری ادبیات معاصر فارسی و عربی محسوب می‌شوند و نویسندگان در تلاش‌اند تا پیامدهای استعمار را بررسی و حقایق پنهان را که در بستر تاریخی رمان‌ها اتفاق افتاده، آشکار سازند.

نویسن (۱۳۸۸) در مقاله «نقد و تحلیل جامعه‌شناختی داستان عید ایرانی‌ها با تکیه بر مجموعه داستانی شهری چون بهشت» معتقد است: سیمین دانشور، در مجموعه داستانی شهری چون بهشت، با نگرشی جامعه‌شناختی به تبیین و معرفی سیمای افسرده زنان ایرانی و سایر قشرهای درمانده و ضعیف در دوره‌ای

خاص از تاریخ گذشته ما می‌پردازد. او تحجرگرایی و خرافه‌پرستی سنتی را عامل عقب‌ماندگی مردم می‌داند که با نفوذ و دخالت استعمارگران غربی، به‌خصوص آمریکا، قوت بیشتری می‌یابد. آن چنان که مشخص است همه نویسندگان به‌گونه‌ای گریزی به برخی از مسایل اجتماعی در آثار دانشور زده‌اند اما به شکل خاص و متمرکز بر رمان «سووشون» پژوهش خاصی انجام نشده و تحلیل‌ها عمدتاً سطحی و گذرا بوده است که این خلأ بر جنبه‌های نوآورانه مقاله حاضر می‌افزاید. با توجه به مطالب ارایه شده هدف این پژوهش شناخت فضای اجتماعی سال‌های پیش از انقلاب و تحلیل مسائلی هم چون نقش زنان در اجتماع، مردسالاری، قهرمان‌پروری و نفوذ بیگانگان با تکیه بر رمان سووشون است.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. در بخش توصیفی، در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی (فیش برداری به شکل توصیفی) و پیمایشی (استفاده از نظریات سیمین دانشور) استفاده شده است. مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا» مضامین اجتماعی را در رمان سووشون مورد بررسی قرار دهد. قلمرو تحقیق حاضر، متن کامل رمان سووشون را دربرمی‌گیرد.

روش اجرا

در انجام تحقیق حاضر، در بخش توصیفی، اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای بدست آمده است. در بخش تحلیلی هم برای دستیابی به اهداف پژوهش، رمان سووشون به‌گونه کامل مورد مطالعه قرار گرفت و مضامین اجتماعی آن استخراج و سپس به تحلیل آنها و ارائه شواهد پرداخته شد.

خلاصه رمان سووشون

ماجرای رمان مربوط به سال‌های جنگ جهانی دوم و ایام نفوذ بیگانگان در جنوب کشور است. داستان درباره یوسف و همسرش زری است که در شیراز زندگی می‌کنند. یوسف مالکی تحصیل کرده و مخالف بیدادگری و استعمار است؛ و با مالکانی که به کمک دولت و قانون، خون رعایا را می‌مکند و به بهای فقر روستا، زندگانی آسوده‌ای برای خود فراهم می‌آورند؛ تفاوت دارد. او از فروش غلات حاصل از املاک خود به نیروهای انگلیسی که جنوب ایران را اشغال کرده‌اند، خودداری می‌کند و با وابستگی دولت به کشورهای استعماری، مخالف است و در این نبرد از پا در می‌آید. زری زنی تحصیل کرده با آرمان‌های بلند اجتماعی است؛ ولی با تندروی‌های شوهرش موافق نیست و همواره مبارزات همسرش، او را در هول و هراس قرار می‌دهد؛ و می‌داند سرانجام یوسف عزیز او در این نبرد از پای در خواهد آمد. او می‌کوشد همسرش را به اعتدال و مدارا ترغیب کند؛ اما سیر رویدادها در جهت مخالفت خواست و امید او در حرکت است. بالاخره، یوسف مبارز در راه آرمان‌هایش کشته می‌شود. او مردی است که همه زندگی‌اش را وقف مبارزه با بیگانگان و خودفروختگان می‌کند و سرانجام نیز در راه آرمان پاک خود، جانش را از دست می‌دهد و زری را سوگوار و تنها رها می‌کند. اما مرگ یوسف تحولی عظیم در روح و روان زری ایجاد می‌کند و باعث می‌شود ترسها و هراس و تردید در وجود او جای خود را به شجاعت

و مقاومت دهد. «می‌خواستم بچه‌هایم را با محبت و در محیطی آرام بزرگ کنم اما حالا با کینه بزرگ می‌کنم. به دست خسرو تفنگ می‌دهم» (دانشور، ۱۳۵۷: ۲۵۴).

یافته‌ها

مضامین اجتماعی رمان سووشون

سیمین دانشور با رمان سووشون تحولی نوین در داستان‌نویسی ایران ایجاد کرد. «سووشون در سلوک رمان اجتماعی ایران منزل مهمی محسوب می‌شود. گذشته از توفیقی که نزد خوانندگان یافته، این اولین اثر کامل، در نوع (ژانر) رمان فارسی است» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۷۸). هرچند موضوع اصلی داستان، مسائل سیاسی و اجتماعی است؛ ولی از منظر دیگر این رمان، به‌خوبی زندگی زن طبقه متوسط جامعه را در دوره پس از شهریورماه ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاشاهی به نمایش گذاشته است. نویسنده بر آن است تا در این رمان پرماجرا، تعارض نگاه و اندیشه زنانه را با حوادث و اتفاقات اجتماعی نشان دهد. سرتاسر داستان، مملو از مسائل اجتماعی و دغدغه‌های سیاسی است و فضایی ملتهب از دردها و رنج‌های مردم را می‌نماید که با نگاه آرامش طلب و مسالمت‌جوی زنان در تعارض است. هنر نویسنده این رمان در طرز نگارش داستان و تعبیرات بکر و توصیف‌های گویا و نیز خلق انسان‌های حقیقی و به نمایش درآوردن حادثه‌های واقعی، در یک دوران خاص اجتماعی بسیار خوب نمایان شده است. دانشور در سووشون عالم واقع و واقعیت اجتماعی را توضیح می‌دهد و آن را به شکلی هنری بازسازی می‌کند.

سووشون رمانی است که هم جایگاه خود را در بین مخاطبان یافته و حفظ کرده است و هم در طرح مسائل اساسی جامعه هم چون محکوم کردن تسلط بیگانگان و دموکراسی در ایران از نظر منتقدان آثار دانشور حائز اهمیت بسیار است. سووشون به‌واقع بیان هنری و سمبلیک و نمادین کودتای ۲۸ مرداد است. شخصیت‌های این رمان از محیط اطراف نویسنده انتخاب شده و ویژگی‌های یک یا چند شخصیت واقعی در یک شخصیت داستانی حلول کرده است. در این داستان، منطقه فارس در سال‌های جنگ جهانی دوم به دقت و ظرافت توصیف شده است. برخی دیگر از پژوهشگران سووشون را رمانی سیاسی اجتماعی دانسته‌اند که از دو لایه تشکیل شده است: «در لایه ظاهری، حوادث رفته بر زری و خانواده اوست در محدوده نیمه اول سال ۱۳۲۲ زری می‌خواهد درون کشور ایران خود را از آشوب و مرض و قحطی و مرگ حفظ کند؛ اما سرانجام، جنگ و دیگر بلاهای آن سالها به خانه او راه می‌یابد. از همین شرح کوتاه می‌توان لایه درونی یا رمزی سووشون را دید؛ مثلاً مابه‌ازای خانه، همه ایران است و مابه‌ازای زری، زن به‌طور کلی، و یوسف نماینده قشر روشنفکر این مملکت است و خلاصه آنکه آنچه بر این خانه و خانواده می‌رود، بر همه کشور ما رفته است» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۴۷۳).

شخصیت‌پردازی دقیق و جذاب از ویژگی‌های برجسته سبک داستان‌پردازی سیمین دانشور است. در این رمان در پرداخت شخصیت‌ها به گونه‌ای هنرمندانه از توصیف، گفتگو، عمل، نام و نماد (شخصیت‌پردازی غیرمستقیم) استفاده شده اما سیمین دانشور در شخصیت‌پردازی قهرمانانش، بیشتر از توصیف و گفتگو بهره برده است.

تمرکز اصلی رمان بر مبارزه انسان در اجتماع است. به همین دلیل، داستان با جدال آرام و پنهان یوسف و زری و جدال پیدا و آشکار یوسف و عوامل حکومتی پیش می‌رود. یوسف، در رمان مدام با

آدم‌های خودفروخته در نزاع و درگیری است. او نمونه انسان آزاده‌ای است که در برابر توسعه‌طلبی و زیاده‌خواهی‌های کشورهای غربی، از جمله انگلیس و آمریکا ایستادگی می‌کند. یوسف قهرمانی است که مزین به صفاتی چون گذشت، شرافت، برابری، آزادگی، مدارا و تقدس‌زدایی است. به‌طور کلی این رمان نمایانده ناسازگاری و آشتی‌ناپذیری افکار و عقاید قهرمان داستان (یوسف) با واقعیت‌های سیاسی نظام است. «این رمان، در دو سطح تمثیلی و روایی، تجلی روح ملی است: در سطح تمثیلی، شکست نهضت ملی و سقوط مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و روی کار آمدن زاهدی که دست‌نشانده کشورهای بیگانه بود و برای مردم ایران ناگوار بود. قیام‌های مردمی در حمایت از مصدق و کتابها و گزارش‌هایی که بعد از این واقعه منتشر شدند، از این نظریه حکایت می‌کنند. در سطح روایی نیز مردم از قهرمانی که به توطئه اجنبی، کشته شده است جانب‌داری و در تشییع جنازه وی تظاهرات و از خودگذشتگی می‌کنند» (رنجبر، ۱۳۹۰: ۴۸).

زن محوری

سووشون روایتی زنانه و زن‌محور است. «راوی می‌کوشد دنیای ناشناخته زنان را به نمایش بگذارد و نظام سنتی و مردسالار را در بوته نقد بنهد؛ باین همه نتوانسته یکسره خود را از سیطره نظام مردسالاری برهاند» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۸). نشانه‌هایی از نظام و سنت دیرینه مردسالاری، در قسمت‌هایی از داستان دیده می‌شود؛ با دقت در کنش‌ها و واکنش‌های زری به‌ویژه در ارتباط با یوسف، می‌توان به برخی از آنها پی برد. در همان آغاز داستان زری پیرمرد همسایه را می‌بیند که به گل و گیاه علاقه‌مند است اما پسرانش را زن نداده است با خود می‌گوید چرا چنین است؟ اما خودش جواب می‌دهد: «آدم‌هایی که با این همه گل سر و کار دارند، چه لزومی دارد زن بگیرند؟» (دانشور، ۱۳۵۷: ۲۷).

زری نماد زن ایرانی است که به‌واسطه رواج مدرنیته در ایران، بین سنت و تجدد سرگردان است و می‌کوشد تعادلی بین آنها ایجاد کند. او تمام اتفاقات اطراف خود را به‌خوبی می‌بیند و درک می‌کند و از بحران منطقه و کشور تا حد زیادی باخبر است. «زری شخصیتی واقعی در رمان فارسی است، به این معنا که صاحب زندگی‌نامه شخصی، خاستگاه، خانواده و اطرافیانی است که همگی شخصیت فعلی او را ساخته‌اند. در عین حال، این شخصیت برای خواننده شخصیتی صمیمی است که اعمال، کردار و جهان‌بینی‌اش نیز کاملاً باور کردنی به نظر می‌رسد» (عسگری حسنگلو، ۱۳۹۴: ۲۳۴). زری قهرمان سووشون زنی است متفاوت از زنان جامعه خویش؛ او در رفتار و کردار و اندیشه با آنها فرق دارد. تحصیل کرده و مسلط به زبان انگلیسی است و با خود آگاهی و استقلال و شجاعت در جامعه مردسالار حضور می‌یابد. مرگ یوسف خود آگاهی را در او تقویت می‌کند؛ به گونه‌ای که مصمم می‌شود نگذارد خون همسرش پایمال شود. فاعلیت و میزان تأثیرگذاری زری بر سیر داستان قابل مشاهده است. کنشگری، فاعلیت اجتماعی، آینده‌نگری و... از ویژگی‌های او است.

در مقابل، زنان دیگر در داستان با جامعه و نگاه جنسیتی و مردسالارانه آن هم‌سو شده‌اند. مثلاً عمه خانم زنی معتاد است که با تخدیر مغز، سعی در تسکین شکست‌های خود دارد و تنها به در به در شدن خودش در آینده فکر می‌کند. عزت الدوله هم پیرزنی لوچ و بیمار و کینه‌توز و منافق است که تنها به زر و جاه و زرق فکر می‌کند. او برای کسب مال و ثروت دست به هر کاری می‌زند؛ حتی قاچاق سلاح و مواد مخدر و قماش

و انواع دیگر. این گروه از زنان به فکر بهبود وضعیت نیستند و در عین نارضایتی تسلیم وضع موجودند. به واقع دانشور فقر فرهنگی آنها را که یکی از چالش‌های مهم اجتماعی است به تصویر کشیده است.

فصیح الزمان، مادر شوهر زری، از دست سودابه هندی به تنگ آمده اما تسلیم سرنوشت می‌شود و به جای اینکه برای بهتر شدن زندگی‌اش کاری کند، کوچ می‌کند و به دیار غربت می‌رود. خانم فاطمه هم با آن که به ظاهر زنی معترض است اما به تحول نمی‌اندیشد و تنها راه حل را مهاجرت و رها کردن جامعه می‌بیند. عمه‌خانم ترس‌ها و دلهره‌های زری را ندارد و در مقابل برادرش ابوالقاسم خان، که با انگلیسی‌ها همکاری می‌کند، می‌ایستد و می‌گوید: «خواهر بزرگ‌تر همه‌تان هستم و حق دارم دلالت‌تان به کنم. راهی که می‌روی درست نیست» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۵۸)؛ اما در ماجرای دادن اسب خسرو به دختر حاکم چاره‌ای جز تسلیم شدن نمی‌یابد و حاضر است برای فرار از وضعیت موجود شهر را ترک کند: «شده است شهر سگساران... من که می‌گذارم و از این ولایت می‌روم. می‌روم مثل مرحوم بی‌بی‌ام کربلا مجاور می‌شوم» (دانشور، ۱۳۵۷: ۵۵). به‌طور کلی زنان در این رمان به واسطه عدم آگاهی از وضعیت خود آن را غیرقابل تغییر می‌دانند و به دلیل تفکر مسلط و غالب مردانه در تصمیم‌گیری برای زنان، آنان حضور موثر در بیرون از خانه ندارند و تعامل اساسی و تاثیرگذار در مسایل اجتماعی و فرهنگی در بین آن‌ها دیده نمی‌شود.

سیمین دانشور در همه آثارش به مسائل زنان می‌پردازد و ظلم و ستمی را که بر زنان می‌رود، منعکس می‌کند و می‌کوشد آنان را از جهل و خرافه‌گرایی بر حذر بدارد. در رمان سووشون نیز ظلم به زنان به تصویر کشیده شده است؛ عزت‌الدوله یکی از زنانی است که همسرش اموالش را می‌فروشد و خرج عیش و نوش خود می‌کند: «عزت‌الدوله گفت: در این غروب عزیز، خدا نیامرزت مرد! چه ملک و املاکی؟ بنچاق ملک‌هایم را می‌زددید، چادر می‌انداخت سر خواهرش و خواهره را به اسم من، می‌برد محضر آقا شیخ غیب علی، ملک‌هایم را می‌فروخت و خواهرش رویش را محکم می‌گرفت و انگشت می‌زد پای سند معامله. بعد پولش را پای زن‌ها می‌ریخت...» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۶۸). «همه زنان این داستان، حتی چهره‌های منفی چون عزت‌الدوله، هر یک به نوعی وجوه گوناگون ستمدیدگی، بی‌پناهی، ناکامی، فداکاری و تحمل زن ایرانی را به نمایش می‌گذارند» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۴۷۶).

«بیشتر شخصیت‌های داستان‌های دانشور را زنان تشکیل می‌دهند. دانشور اگر به مردان بپردازد، به آن‌ها بیشتر از دریچه چشم زنان می‌نگرد. مردان در آثار او در ارتباط با زنان معنی پیدا می‌کنند. زنان خانه‌دار، کلفت‌ها، معلمان مدارس و دانشگاه، هنرپیشه‌ها و... زنان داستان‌های دانشور را تشکیل می‌دهند» (عبداللهیان، ۱۳۷۸: ۷۳).

سووشون نشانه‌ای از حرکت نویسنده به سمت مدرنیته در ادبیات زنان است و حضور حساس زنان را در رشد و بالندگی جامعه نشان می‌دهد؛ زنانی که دیده نمی‌شدند و در جامعه مردسالار همواره، نفی و انکار می‌شدند. «آنچه بیش از همه در آثار دانشور به چشم می‌خورد، انتقاد از زن سنتی و گرفتار در قید و بندهای روزمرگی و جهالت است» (باقری، ۱۳۸۷: ۱۲۵)؛ به همین دلیل دانشور در همه آثارش بیشتر زنی بین سنت و مدرنیته را به تصویر کشیده است، سنتی است زیرا تشکیل خانواده، ازدواج و بچه‌دار شدن، همسر و فرزندان برای او مهم است، مدرن است زیرا زنان در آثار دانشور گرفتار روزمرگی‌های زندگی نیستند بلکه آنان متفکر و اندیشمندند. اما دانشور در سووشون مسأله هویت و جایگاه زن ایرانی را در مرحله‌ای از تغییر و تحول اجتماعی با نگاهی انتقادآمیز بصورت جدی‌تر مطرح می‌کند.

دانشور در این اثر خود از نگاه یک زن به جامعه می‌نگرد و اندیشه‌ی زنانه را در مواضع مختلف به نمایش می‌گذارد و فرصت‌هایی را فراهم می‌کند تا به کمک شخصیت‌ها و فضای داستان، وارد گفت‌وگوهای ممنوعه شود. به لحاظ ساختار نیز «انتخاب زاویه دید در داستان‌های زنان اغلب به صورتی است که بینش و نگرش زنان را نمایش دهد. نویسندگان زن اگر از شیوه روایی دانای کل استفاده کرده‌اند، نگاه زنانه خود را از آن طریق منتقل کرده‌اند و در شیوه روایت اول شخص، یعنی روای قهرمان هم به هر حال این بینش و نقطه نظر شخصیت اول است که بیان می‌شود. دانشور در این رمان و دیگر رمان‌هایش (از جمله جزیره سرگردانی) از شیوه روایی سوم شخص یا اول شخص محدود به قهرمانان داستانش (زری و هستی) سود جسته است» (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۶).

راوی در اکثر فصل‌های سووشون زن است بدین ترتیب در فضای ادبیات داستانی که همواره مردسالار است، شخصیت قهرمان زن (زری) حضوری چشمگیر می‌یابد؛ نیز او و در فعالیت‌های سیاسی، همسرش را همراهی می‌کند. زری، نماد زنانی است که مطیع و فرمانبردار شوهرانشان هستند و مأمور و پناهگاهی امن و مطمئن جز همسر نیافته‌اند؛ از سوی دیگر از ظلم و ستم در حق خود و مردسالاری‌ها خسته شده‌اند. «زری می‌اندیشید که ترسو یا شجاع، با شیوه زندگی و با تربیتی که او را برای چنین زندگی آماده ساخته، محال است بتواند دست به کاری بزند که نتیجه‌اش به هم خوردن وضع موجود باشد. آدم برای کارهایی که بوی خطر از آنها می‌آید، باید آمادگی روحی و جسمی داشته باشد و آمادگی او درست برخلاف جهت هرگونه خطری بود. می‌دانست نه جرأتش را دارد و نه طاقتش را. اگر این همه وابسته بچه‌ها و شوهرش نبود، باز حرفی. نوبرها و لمسها و گفت و گوها و چشم در چشم دوختن‌ها از یک طرف و شاهد شکفتن‌ها بودن از طرف دیگر... و چنین آدمی نمی‌تواند دل به دریا بزند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۹۳-۱۹۲).

زری در عین حال که زنی ممتاز با خصایصی برجسته است، به صورت شخصیتی معمولی و مشابه با جامعه ایرانی به تصویر کشیده شده است؛ زنی در نوسان میان بازیافتن هویت و نمایاندن شخصیت واقعی خود و پابندی به سنت‌های کهنه و قدیمی: «این دیدگاه و روش‌های او، در زندگی، انتخاب همسر، سلوک و رفتار او با رعیت تأثیر می‌گذارد و او را از خوش خدمتی به بیگانگان [قوای استعماری و اشغالگران فارس] باز می‌دارد؛ تا آنجا که مقاومت او در برابر خواست‌های آنان باعث قتل یوسف می‌شود. در کنار یوسف و در جریان همین جدال‌ها و مقاومت‌هاست که همسر او رشد و تحول می‌یابد» (ذوالقدر، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

سیمین دانشور می‌خواهد تا به زنان القا کند در شرایط و موقعیت‌های خاص نگاه‌شان به امور و حقایق عمیق‌تر و آگاهانه‌تر باشد؛ چنان که زری در بخشی از داستان به این نگاه دست می‌یابد: «حسین کازرونی می‌آمد. یک تشکچه با خود می‌آورد می‌گذاشت توی طاقچه پشت چرخ چاه و از صبح زود تا غروب روی تشکچه می‌نشست و با پا چرخ چاه را به حرکت در می‌آورد. دست‌هایش آزاد بود؛ مگر وقتی که دلو، پر آب ظاهر می‌شد. دلو را می‌گرفت و به حوضچه‌ای می‌ریخت که به منبع منتهی می‌شد. از صبح تا غروب تنها همین کار را می‌کرد؛ حتی آواز هم نمی‌خواند و زری می‌گفت خوب است که دلش نمی‌پوسد. و ناگهان زری اندیشید: تمام زندگی خود من هم همین‌طور گذشته. هر روز پشت چرخ چاهی نشسته‌ام و چرخ زندگی را به حرکت درآورده‌ام و آب، پای گل‌هایی داده‌ام...» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۲۱).

با وجود آن چه درباره حضور زن در این رمان گفته شد اما باید پذیرفت که در داستان‌های معاصر زن چهره مستقلی ندارد و بیشتر از دید مردانه به مسائل زنان پرداخته شده است. در سووشون حتی زری، از

خود اراده‌ای ندارد؛ منتظر است یوسف برایش فکر کند و تصمیم بگیرد. او و زنان دیگر رمان نه تنها به مقابله‌ای جدی با باورهای متداول نمی‌پردازند، بلکه همه تلاش خود را صرف حفظ وضع موجود می‌کنند. در سووشون علاوه بر آن که مردان نگاه جنسی به زنان دارند، زنان خود نیز از درک واقعی خویشتن ناتوانند. «دانشور خواسته است از دید یک زن به فرایند تاریخ و زندگی بنگرد؛ اما آن زن نگاه و ذهنیتی از خود ندارد. این امر ریشه‌های تاریخی متعدد دارد؛ ریشه‌هایی که زنان را ناگزیر از پذیرش انتظارات جامعه، و درونی کردن و توجیه آن برای خودشان می‌کند؛ به طوری که امکان و باوری برای مقابله با سرنوشت محتوم نمی‌یابند؛ زنان نویسنده‌ای که می‌کوشند خارج از چارچوب‌های مرسوم به احساسات و امیال زنان بپردازند، با مشکلات گوناگون مواجه می‌شوند؛ زیرا ناگزیر از طرح مسائلی بحث‌انگیز و مشوش‌کننده‌اند» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۱۰۹).

مردسالاری

تقابل اصلی در سووشون اندیشه‌های زن و مرد (زری و یوسف) است. زری آرزو می‌کند که ای کاش جامعه را زنان بسازند تا صلح و صفا همه جا برقرار باشد: «کاش دنیا دست زن‌ها بود، زن‌ها که زاییده‌اند، یعنی خلق کرده‌اند و قدر مخلوق خودشان را می‌دانند؛ قدر تحمل و حوصله و یک نواختی و برای خود هیچ کاری نتوانستن را. شاید مردها چون هیچ وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آنقدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بیافرینند اگر دنیا دست زن‌ها بود، جنگ کجا بود؟» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۹۳).

یوسف با آن که مردی روشنفکر است، زری را زنی ترسو و بزدل می‌خواند و مانع حاکم شدن اندیشه‌های زری و امثال او می‌شود. در داستان، زری دائم فال گوش ایستاده است تا از کارهای شوهرش سر در آورد؛ چون اجازه ندارد در جلسات شرکت کند و این نمود دیگری از مردسالاری است.

خسرو نیز به تبعیت از پدرش بعد از آنکه زری اسبش را به حاکم می‌دهد با داد و فریاد می‌گوید: «چقدر زن‌ها ترسو و دروغگو هستند. فقط بلدند گور بکنند و دفن کنند و بعد گریه کنند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۲۲). هم چنین در جایی دیگر می‌گوید: «اگر این زن‌ها نبودند و محض خاطر آنها نبود، پسرها چه زود می‌توانستند مرد بشوند. زن‌ها می‌ترسند و ما مردها را هم می‌ترسانند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۲۹). خان‌کاکا هم از جمله شخصیت‌های رمان سووشون است که تحقیر زنان را روا می‌داند. وقتی یوسف، زری را به خاطر تسلیم اسب خسرو نکوهش می‌کند، خانم فاطمه، خواهر یوسف مردسالاری را چنین بیان می‌کند: «دادن اسب که اصلاً تقصیر او نبود... آدم در برابر مردی که حاکم مال و جان همه‌اند، چه می‌تواند بکند؟... راستش را می‌خواهی داداش؟ نرمی می‌کند، رشوه می‌دهد تا کاری به کار تو نداشته باشند.» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۲۸).

دانشور بدون آنکه بخواهد آشکارا به نظام مردسالارانه حمله کند و مردستیزانه سخن بگوید می‌کوشد به اموری که مردان رقم می‌زنند نگاهی زنانه داشته باشد. اما گاهی هم این گونه به صراحت از زبان قهرمان داستان حرف دلش را می‌زند: «زری گفت: من که گفتم، صد بار بگویم؟... اگر به خواهی که من ایستادگی کنم باید جلوتر بایستم. پس بشنو. تو شجاعت مرا از من گرفته‌ای. آنقدر با تو مدارا کرده‌ام که مدارا عادت شده» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۲۹).

غرب‌زدگی و حضور استعمار

گفتمان غرب‌زدگی و بازگشت به صراحت در رمان سووشون دیده می‌شود. زری هر چند غرب‌زده نیست، اما در برابر آموزه‌های زندگی غربی و مسیحی گاهی دچار ضعف و تردید می‌شود. فرهنگ غربی در زری موثر واقع شده و گاهی بر فکر و عمل او تحمیل شده است؛ مثلاً آموزه‌های انجیل باعث شده که زری با دیدن شمایی روی پرده، به اشتباه آن را یحیی تعمید دهنده بداند. (دانشور، ۱۳۵۷: ۴۴). دانشور در پی آن است که نشان دهد استعمارگران از طریق ایجاد مراکز آموزشی سعی دارند مردم را در جهل نگاه دارند. در جایی از رمان یوسف به پسرش چنین می‌گوید: «مربی‌ها و معلم‌هایی که مادرت دیده، سعی کرده‌اند همیشه از واقعیت‌های موجود دور نگهش دارند. در عوض، مقداری ادب و آداب و تصدیق و تبسم و ناز و عشوه و گلدوزی یادش بدهند. هی از آرامش حرف می‌زنند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۳۰) و زری در جواب می‌گوید: «در همان مدرسه انگلیسی، تو راست می‌گویی، خانم مدیر هی به ما سرکوفت می‌زد که تمدن و آداب معاشرت و آیین زندگی به ما می‌آموزد تا از بازوی خودمان نان دربیآوریم. خانم حکیم می‌گفت شفا و داروی شما در دست من است» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۳۱). البته قرار است داستان به گونه‌ای پیش رود که زری از خودباختگی به خودی برسد که این تحول با مرگ یوسف، محقق می‌شود.

در رمان سووشون، نمود مظاهر غرب‌زدگی، بیمارستان، درمانگاه و مدرسه‌ای است که انگلیسی‌ها ایجاد کرده‌اند. بچه زری در یکی از این بیمارستان‌ها به دنیا آمده و در یکی از این مدرسه‌ها درس خوانده، و از معلمینش درس‌هایی آموخته است. «در مدرسه انگلیسی‌ها در هفته دو ساعت تمام درس آداب معاشرت داشتند و هر روز هفته، یک ساعت درس اخلاق می‌خواندند؛ البته به جای اخلاق انجیل می‌خواندند...» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۶۰). در جایی دیگر، «کلو» پسر چوپان یوسف، به دلیل ابتلا به بیماری تیفوس در بیمارستان بستری می‌شود. کشیشی که کتاب مقدس در دست دارد نزد کلو می‌رود و داستان‌هایی از تورات را برای او می‌خواند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۸۸).

روایت داستان به گونه‌ای است که گویا همه رنج‌ها و مصیبت‌ها و بدبختی‌ها، از جمله قحطی و تیفوس و رواج خرافات در بین مردم، به دلیل حضور انگلیسی‌هاست. ارزش‌ها و مظاهر فرهنگ قومی و ملی در حال تباه شدن است. وجود انگلیسی‌ها شهر را از نظر اخلاقی ناایمن کرده است. مردم از امکانات زندگی شهری بی‌بهره‌اند و بهترین امکانات در اختیار انگلیسی‌هاست. آن‌ها برای آنکه بتوانند به راحتی در ایران اقامت کنند و طرح‌های استعماری خود را به اجرا درآورند به اختلافات سیاسی و ملی و قومی دامن می‌زنند و از آن حمایت می‌کنند. دانشور همه ابعاد نفوذ بیگانگان را در ایران به‌خوبی ترسیم کرده است. مثلاً نفوذ استعمار انگلستان را بر سر سفره عقد دختر حاکم این گونه توصیف می‌کند: «در آخرین طبقه کیک عروسی، عروس و دامادی دست در دست هم ایستاده بودند و یک بیرق انگلیس هم پشت سرشان بود...» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۱).

نتیجه حضور استعمار تضعیف حقوق خانواده‌ها و رسوایی آن‌هاست. در سووشون، مک ماهون در جشن انگلیسی‌ها شعری با این مضمون می‌خواند: «سربازی در غربت دختر بیگانه‌ای را به دام می‌آورد و از او تا می‌تواند تلکه می‌کند... کفش بده، کاله بده، دوقاز و نی هل بلاال بلده... اما وقتی دختر می‌گوید: 'آبستم، بیا مرا بگیر.' اعتراف می‌کند که زن و بچه دارد» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۳). در بخش دیگری از داستان بی‌ارزشی خانواده ایرانی با زبانی نمادین نشان داده شده است: «چند بچه از تیره اژدها کش پای سگ

سروان انگلیسی را زخمی می‌کنند و بعد، از ترس، سگ را می‌کشند. در مقابل نیز سروان وامی دارد سه تا زن بچه‌شیرده از تیره‌اژدهاکش توله‌هایش را شیر بدهند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۵۰).

خانواده محوری

مهم‌ترین نهادی که استعمارگران با تضعیف آن می‌توانند به اهداف استعماری خود دست یابند خانواده است؛ دانشور در همه داستان‌هایش بر این نهاد و لزوم آگاهی‌بخشی و رهایی از فقر فرهنگی تأکید کرده است. رمان سووشون کاملاً خانواده‌محور است؛ زیرا تمام وقایع از درون یک خانواده شکل می‌گیرد و قهرمانان اصلی داستان (یوسف و زری) از اعضای یک خانواده هستند. زری در همه شرایط به دنبال حفظ امنیت خانواده خویش است و می‌کوشد خانه را حریم امن خود و دیگر اعضای خانواده‌اش قرار دهد. زری با مخالفت‌های یوسف مدارا می‌کند تا او را از دست ندهد. در جشن عقد کنان دختر حاکم، گوشواره‌هایش را علیرغم میلش به دختر حاکم می‌بخشد؛ یا اسب خسرو، پسرش را برای دختر کوچک حاکم می‌فرستد تا خانه‌اش امن باشد. «زری گریه کنان گفت: هر کاری که می‌خواهند بکنند اما جنگ را به لانه من نیاورند. به من چه که شهر شده عین محله مردستان... شهر من، مملکت من، همین خانه است، اما آن‌ها جنگ را به خانه من هم می‌کشاند...» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۹).

زری زنی است که در وضعیتی آشوب‌زده در فکر آرام نگه داشتن محیط خانه خویش است. خانه امنی که زری ایجاد کرده است یوسف را هم در به سوی خود می‌کشاند و وقتی از همه کس و همه جا ناامید و غمگین می‌شود به خانه و زری پناه می‌آورد: «یوسف گفت: برای همین آمدم شهر که به تو بگویم. همه کارهایم را زمین گذاشتم و آمدم که برایت درد دل کنم» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۲۰).

زری در این داستان مانند همه مادران همواره نگران فرزندان‌ش است و همین نگرانی او را محتاط، محافظه‌کار، منفعل و تحمل‌پذیر کرده است. «هنوز یک ساعت نگذشته دلش شور بچه‌ها را می‌زد که نکند از مادیان پرت شده باشند. نکند در این روز پر آفتاب گرم‌زده شوند» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۹۲). زری آنقدر نگران خانواده و فرزندان‌ش است که گاهی اسیر خرافه‌ها می‌شود. مثلاً زری می‌داند مرگ چوپان یوسف تقصیر یوسف نیست اما با خود می‌اندیشد: «نکند انتقام چوپان را پس می‌دهند، نکند خدا پسر چوپان را فرستاده، تا عوضش خسرو را از آن‌ها بگیرد» (دانشور، ۱۳۵۷: ۱۱۶).

بحث و نتیجه‌گیری

ماجرای رمان سووشون مربوط به شهر شیراز و سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم است و در آن فضای اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ را ترسیم شده است. دانشور در این رمان زندگی فتودالی را در زمان اشغال ایران توسط انگلیسی‌ها را به تصویر کشیده است. بسیاری از شخصیت‌های اصلی و فرعی این رمان تداعی‌گر شخصیت‌های واقعی هستند. زری و یوسف قهرمانان اصلی داستانند و راوی داستان نیز زری است. در این رمان، بازتاب اتفاقات جامعه را می‌توان، در خانواده زری پیدا کرد و به واقع شاید دورنمایی از جامعه ایران و نقش زنان در تحولات آینده در آن منعکس شده باشد. گفتمان زنان گفتمانی غالب در این رمان است. سیمین دانشور با انتخاب یک زن، زری، به عنوان راوی داستان تفکر خاص خود را در ارتباط با زنان نشان داده است. او در همه آثار خود می‌کوشد به گونه‌های مختلف به احقاق حقوق از دست‌رفته

زنان و بیان احترام به آزادی‌های آنان اشاره کند. داستان به ظاهر در ارتباط با یوسف، همسر زری، نقش می‌پذیرد، اما بیشتر درباره مسائل زنان به ویژه زری ادامه می‌یابد. اما با این حال نظام مردسالار حاکم بر جامعه ایران به شکل‌های مختلف نمایش داده می‌شود و دیدگاه‌های مردسالارانه و سنتی به عنوان مهم‌ترین مانع حضور زن در اجتماع تلقی شده است.

رمان سووشون کاملاً خانواده محور است. زری همواره در پی آن است تا امنیت خانواده‌اش را حفظ کند و می‌کوشد خانه را حریم امن خود و دیگر اعضای خانواده‌اش قرار دهد. دانشور غرب‌زدگی را نتیجه استعمار می‌داند، و بر این اعتقاد است که استعمارگران با استفاده از فقر فرهنگی مردم بر آنان مسلط می‌شوند آنان را در جهل نگاه می‌دارند تا به خواسته‌های خود برسند.

منابع

- باقری، نرگس. (۱۳۸۷). *زنان در داستان*. تهران: مروارید.
- حسینی، کاوس، سالاری، قاسم. (۱۳۸۶). نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور. *فصلنامه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان (مطالعات زنان)*، ۱، ۵-۲۵.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۴). روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه. *نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، ۹۳، ۹۴-۱۰۱.
- دانشور، سیمین. (۱۳۵۷). *سووشون*. تهران: خوارزمی.
- دری، ترجمه، خیراندیش، سید مهدی. (۱۳۹۳). مقایسه بازتاب فرهنگ عامه در آثار سیمین دانشور و احمد محمود. *نشریه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۳، ۷۹-۱۰۳.
- دقیقی، ژده. (۱۳۸۱). سرگردانی یک جیره همگانی است. *نشریه زنان*، ۸۶، ۳۲-۳۶.
- ذوالقدر، میمنت. (۱۳۷۹). *رمان‌های معاصر فارسی*. تهران: نیلوفر.
- رنجبر، ابراهیم. (۱۳۹۰). تحلیل رمان سووشون از منظر عناصر حماسی. *نشریه زبان و ادبیات فارسی*، ۷۰، ۳۷-۶۲.
- سپانلو، محمد علی. (۱۳۸۱). نویسندگان پیشرو ایران: مروری بر قصه‌نویسی، رمان‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و نقد ادبی. چاپ ششم. تهران: انتشارات آگاه.
- سرمشقی، فاطمه. (۱۳۸۶). سووشون روایت نمادین تاریخ ایران. *فصلنامه هنر*، ۷۲، ۲۸-۶۴.
- سرمشقی، فاطمه. (۱۳۸۸). سووشون و رویکرد اصالت زن. *فصلنامه هنر*، ۷۹، ۷-۳۷.
- شریفی، محمد. (۱۳۸۸). *فرهنگ ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ نشر نو و معین.
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۷۸). *کارنامه نثر معاصر*. تهران: پایا.
- عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی رمان فارسی*. تهران: انتشارات نگاه.
- مدیری، بهمن. (۱۳۸۹). زن و ادبیات معاصر: رهیافتی تاریخی بر جایگاه زنان در ادب پارسی با تأکید بر دوران معاصر. *نشریه حافظ*، ۷۷، ۳۴-۳۸.
- ناظمیان، رضا، شکوهی نیا، مریم. (۱۳۹۲). مقایسه و تحلیل جلوه‌های پسااستعماری در رمان‌های موسم هجرت به شمال طیب صالح و سووشون سیمین دانشور. *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۲۹، ۱-۳۲.

- نوین، حسین. (۱۳۸۸). نقد و تحلیل جامعه‌شناختی داستان عید ایرانی‌ها با تکیه بر مجموعه داستانی شهری چون بهشت. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۲، ۱۲۵-۱۴۱.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). صد سال داستان‌نویسی. ۲ ج، تهران: چشمه.

**Literary Criticism and Analysis of Social Contents
In The Novel “Savushun”**

M. Mahmoodi*
F. Ashrafian**

Abstract

The purpose of this study was to identify the social atmosphere of the pre-revolutionary years and to analyze such issues as the role of women in society, patriarchy, westernization, and the presence of colonialism and family, based on the narrator's narrative by descriptive-analytical method. Sociology of literature, on one hand, is related to literature, and on the other hand to sociology. In this method of critique, the structure and content of the literary work and its relation to society, and the mutual effects of literature and society, and how to reflect social issues from the author's point of view in a literary work are examined. The novel “Savushun” was the product of social conditions in the years of horror and violence after the coup on Aug. 19 1953; the period that the wishes and ideals of a freedom loving and nationalist nation were ruined due to the conspiracy of alien and domestic agents and various mistakes by the political and religious leaders, and disappointment, despair, the feeling of failure, and aloofness bothered the disunited Iranian community. The main aim of the author in this study was identifying the social environment of the years before the revolution and analyzing the points such as the role of women in the community, patriarchy, heroism, and the influence of the foreigners by relying on the novel “Savushun”. By subtlety and committing discernment, Daneshvar had tried to depict a part of bitter social realities and the agonies and sufferings as well as difficulties confronting the Iranian nation in those black years. She dealt with the problem of identity and position of Iranian women in the social transformations, and in her efforts for self-concept and releasing from veils, she incorporated the agreements and disagreements by criticizing the patriarchal community.

Keywords: social contents, Savushun novel, Simin Daneshvar

*Assistant Professor, Department of Persian language and literature, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Dehaqan, Iran. (Corresponding author, Email: m.mahmoodi75@yahoo.com)

**PhD candidate, Department of Persian language and literature, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Dehaqan . Iran . faezeh1390@gmail.com